

واقعیت‌های روابط ایران و پاکستان



حسام‌الدین حجت‌زاده

کارشناس مسائل آسیای جنوبی

حسین امیرعبداللہیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز دوم اوت ۲۰۲۳ (۱۲ مرداد ۱۴۰۲) در رأس یک هیأت اقتصادی عالی‌رتبه برای یک دیدار رسمی سه روزه وارد اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان شد. وی در این سفر علاوه بر گفت‌وگو با مقامات ارشد پاکستانی، در نشست «فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری بین ایران و پاکستان» در کراچی سخنرانی کرد. به نظر می‌رسد سخنان وزیر امور خارجه پیش از آنکه بازگوکننده واقعیت‌های موجود در صحنه روابط تهران-اسلام‌آباد باشد، اغلب فهرستی از امیدها، انتظارات و ایده‌آل‌های در حوزه روابط اقتصادی با همسایه شرقی ایران است. یادداشت حاضر سعی دارد با ارائه مستنداتی به این پرسش اساسی پاسخ دهد که انتظارات و ایده‌آل‌های جمهوری اسلامی در روابطش با پاکستان، تا چه اندازه با سیاست‌های اقتصادی و رویکردهای سیاسی دولت‌مردان پاکستانی در قبال ایران همخوانی دارد؟ یکی از مهم‌ترین سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی، حذف تدریجی ایران از مسیرهای انتقال انرژی و ترانزیت کالا است. نگاهی دقیق به افغانستان و منطقه آسیای مرکزی و جنوب آسیا نیز نشان می‌دهد که مسیرهای متعددی مانند خط لوله تابی، راه لاچورد، کریدور ترانس‌افغان، ترانس کاسپین و کریدور میانی با هدف دور زدن ایران راه‌اندازی شده‌اند. در این میان، پاکستانی‌ها با وجود تظاهر به دوستی با جمهوری اسلامی، در پروژه‌های خط لوله انتقال گاز ایران-پاکستان، موسوم به «خط لوله صلح» و «تابی» انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان و پاکستان به هند، به طور علنی و عملی‌باواشگتن در منزوی ساختمان جمهوری اسلامی از طریق دور زدن آن همکاری می‌کنند. در همین راستا، تنها چند روز پس از سفر وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به پاکستان و به رغم تبلیغات مکرر رسانه‌ها در ایران در زمینه شتاب گرفتن روند اجرای پروژه خط لوله صلح در ماه‌های اخیر، مصدق مالک، وزیر نفت پاکستان در اوت ۲۰۲۳ (مرداد ۱۴۰۲) در نامه‌ای به مجلس ملی این کشور مدعی شد که پاکستان به دلیل تحریم‌های ایالات متحده ضد جمهوری اسلامی قرارداد خرید گاز از ایران را به شکل فورس مازور به حالت تعلیق در آورده است. مالک وعده داد که به محض رفع تحریم‌ها و عدم وجود تهدید تحریم‌ها، اسلام‌آباد با دیگر فعالیت خود در قالب پروژه خط لوله گاز ایران-پاکستان آغاز خواهد کرد. وی در عین حال اذعان کرد که اگر ایران این موضوع را به دادگاه بکشاند، اعتراض ایران به اعتبار اعلامیه تعلیق فورس مازور تعهداتش تنها از طریق دادگاه داری بین‌المللی می‌تواند حل و فصل شود. نکته مهم در مورد عدم تمایل مقامات پاکستانی نسبت به تکمیل خط لوله صلح این است که دولت شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان سالانه حدود ۲ میلیارد دلار از آمریکا انواع کمک‌های نظامی، مالی و توسعه‌ای را دریافت می‌کنند. این رقم تقریباً معادل حجم مبادلات تجاری جمهوری اسلامی و پاکستان است. با این تفاوت که ریسک همکاری با تهران جای خود را به وابستگی اسلام‌آباد به واشنگتن داده و پاکستانی‌ها همواره دومی را به اولی ترجیح داده‌اند. علاوه بر این، پاکستان در حال حاضر در زمینه عملیاتی شدن خط لوله گاز تابی (TAPI) با سایر کشورهای واقع در مسیر این پروژه (ترکمنستان، افغانستان و هند) هم نظر است. نکته آنکه چینی‌ها نیز با اجرائی شدن این پروژه موافق هستند؛ در حالی که با عملیاتی شدن «تابی» نیاز پاکستانی‌ها به گاز انتقالی از خط لوله صلح عملاً تا حد زیادی از بین می‌رود. در همین حال، دولت پاکستان با همکاری چین قرار است از طریق سلطان نشین عمان و از بستر خلیج فارس و دریای مکران خط لوله انرژی جدیدی به سمت بندر گوادر پاکستان بکشند تا بدین ترتیب نیاز روزافزون چینی‌ها به گاز طبیعی از سوی قطر و برخی دیگر از کشورهای جنوب خلیج فارس تأمین شود. این تحول در حالی به ضرر ایران در حال وقوع است که مقامات چینی چند سال قبل نسبت به مشارکت در پروژه انتقال گاز ایران به پاکستان و از آن طریق به استان سین کیانگ در شمال غرب چین تمایل نشان داده بودند. حتی وقتی جمهوری اسلامی اعلام کرد که خط لوله گاز تا گذرگاه پیشین در مرز پاکستان تکمیل شده و اسلام‌آباد باید به تعهد خود در تکمیل خط لوله در خاک پاکستان عمل کند، یک شرکت چینی برای سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیون دلاری جهت تکمیل بخش پاکستانی خط لوله صلح اعلام آمادگی کرد، اما این پیشنهاد تاکنون عملیاتی نشده است. بنابراین پاکستان بر اساس منافع خود، علاوه بر آمریکا با برخی از کشورهای منطقه، به ویژه چین و هند در سیاست دور زدن و کنار گذاشتن ایران از پروژه‌های انرژی و ترانزیتی در سطح آسیایی و بین‌المللی همکاری می‌کند و به ظاهر می‌کوشد کشورهای عرب حوزه خلیج فارس را جایگزین ایران کند. با توجه تمایل و ترجیح پاکستان برای فراهم کردن سنس لایز برای سرمایه‌گذاری کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به مثابه رقیب جدی تهران در حوزه تجارت خارجی و در مقابل، عدم تمایل طرف پاکستانی برای همکاری عملی در جهت اجرای کامل مفاد توافقنامه‌های پیشین با جمهوری اسلامی به بهانه تحریم‌ها، مشخص نیست که چرا مقامات سیاسی و اقتصادی همچنان بر لزوم اجرای انرژی ترانزیت، برگزاری همایش‌های مشترک اقتصادی بدون دستوردهای ملموس و تأکید می‌کنند.

دریچه

محمد علی پور مختار:

مسئولان اجرایی با عمل‌شان امید آفرینی کنند

یک فعال سیاسی درباره راهکارهای تقویت سطح آمیدوری در جامعه گفت: امید به آینده موتور محرکه هر نوع فعالیت و امکانی برای ادامه زندگی است بنابراین اگر امید نباشد خیلی‌ها از زندگی دست می‌شوند و تلاش و کوشش را رها می‌کنند. محمد علی پور مختار اظهار کرد: امیدزایی در جامعه باید امری واقعی و عملی باشد یعنی دستگاه‌های اجرایی ایجاد امید در جامعه را از طریق سخنرانی و بیان موضوعاتی را که بر مردم و نسل جوان اثر گذار است، کنار بگذارند و در صحنه عمل امید آفرینی به گونه‌ای تلاش و فعالیت کنند که مردم آن را در زندگی خود ببینند. وی یادآور شد: آمیدوار بودن در گروه عملکرد خوب و درست دست‌گاه‌های اجرایی و اداری است. یکی از انتقادهای جدی و اساسی که در برخی جاها زمینه‌ناامیدی در جامعه را فراهم کرده است همین گرانی‌های افسار گسیخته، عدم کنترل قیمت‌ها و عدم نظارت دقیق بر قیمت‌هاست. این نماینده‌دور مجلس تأکید کرد: در مسئولان اجرایی اگر قوفی را برای حل مشکل با اجرایی برنام‌های می‌دهد باید آن را عملیاتی کند و مقام بالاتر همواره از او روند کار را پیگیری باشد. البته مردم پای نظام و کشورشان هستند و خواهند بود، اما در عین حال وظیفه دستگاه‌های اجرایی و دولت این است که در مقام عمل نتیجه حرف‌های آمیدافرینش را به جامعه نشان دهد.

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

بریکس برای روسیه چه کرده که برای ایران کند؟

باید از بریکس برای لغو تحریم‌ها استفاده کرد

قرار نیست با یک سفر در اقتصاد کشور تحول ایجاد شود

نباید درباره بریکس بزرگ‌نمایی کرد

هدف اصلی بریکس رقابت با گروه ۷ است



سه شنبه ۱۴۰۲.۰۶.۰۷

armanmeli.ir

سال پنجم شماره ۱۶۳۴

۱۲ صفر ۱۴۴۳ / ۲۹ آگوست ۲۰۲۳

بریکس برای ایران به صورت بالقوه مثبت است نه بالفعل

باید از افق‌های روشن بریکس به سود اقتصاد کشور استفاده کرد

آرمان ملی - احسان انصاری: بریکس نام گروهی از کشورها به رهبری قدرت‌های اقتصادی نوظهور است و عنوان آن از به هم پیوستن حروف اول نام انگلیسی آن کشورها یعنی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی ساخته شده است. در ابتدا نام این گروه بریک نام داشت، اما پس از پیوستن آفریقای جنوبی، به بریکس تغییر نام یافت. در ۲۴ اوت ۲۰۲۳، مقرر شد که تا سال ۲۰۲۴، شش کشور آرژانتین، اتیوپی، امارات متحده عربی، ایران، عربستان سعودی و مصر به جمع این گروه اضافه شوند. هر چند اعضای گروه بریکس همگی به غیر از روسیه در رده کشورهای در حال توسعه یا اقتصادهای در حال ظهور هستند، اما عموماً به واسطه اقتصادهایی با رشد پرشتاب و فراگیر و نفوذ تأثیرگذار بر امور جهانی و منطقه‌ای از دیگر کشورها متمایز می‌شوند. با سفر آقای رئیسی به آفریقای جنوبی ایران نیز به عضویت گروه کشورهای بریکس پیوست. در همین زمینه رئیس جمهور آفریقای جنوبی در کنفرانس خبری مشترک با سران کشورهای روسیه، چین، برزیل و هند، موافقت سران «بریکس» با قبول عضویت رسمی ایران در این گروه را به شکل رسمی اعلام کرد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی پیامدهای عضویت ایران در گروه کشورهای بریکس با حسن بهشتی پور، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. بهشتی پور معتقد است: «در خصوص عضویت ایران در بریکس نیازمند واقع‌بینی هستیم. این مساله به این معنی است که هم باید این الحاق را دستاورد دانسته و درباره آن رضایت داشته باشیم و هم محدودیت‌هایی که در این موضوع کماکان برای ایران وجود دارد را به خاطر داشته باشیم. عضویت ایران در این گروه دستاورد مثبت و مهمی برای ایران است. من معتقدم از آنجا که بریکس به تدریج خود را به عنوان یکی از قطب‌های اصلی اقتصاد دنیا مطرح کرده است. عضویت ایران در این گروه شرایط مساعدی را برای ارتقای جایگاه اقتصادی ایران فراهم می‌سازد. اگر بخواهیم عضویت ایران در بریکس را واقع‌بینانه تحلیل کنیم باید توجه کنیم که صرف عضویت ایران در یک گروه یا یک سازمان مشابه بریکس با شانگهای و قرار نیست با این عضویت کل مشکلات ایران حل شود و دست‌های بسته در زمینه تحریم و افای تی اف باز شود. صرف عضویت ایران در بریکس به تنهایی راهگشا برای دور زدن تحریم‌ها نیست و نمی‌تواند موجب رشد اقتصادی شود. اگر می‌خواهیم از بستر مناسب بریکس برای توسعه و پیشرفت اقتصادی ایران بهره بگیریم لازم است تلاش خود را برای لغو تحریم‌های بین‌المللی و حل مشکلات افای تی اف فراهم کنیم این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید.

حضور ایران در گروه کشورهای بریکس چه پیامدهای اقتصادی و سیاسی برای کشور دارد؟

عضویت در گروه‌هایی مانند بریکس، ظرفیت‌های بالقوه‌ای را به وجود می‌آورد که در کنار سایر کشورهای هم‌افزایی ایجاد شده و از طریق همکاری‌ها سطح اقتصادها را تقویت پیدا کند. در این زمینه مثالی می‌زنم تا مشخص شود عضویت ایران چه شرایطی را ایجاد می‌کند. کشور روسیه، بنیانگذار یا پیشنهاد دهنده تشکیل بریکس بوده است؛ روسیه امروز با شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی روبرو است و بیش از ۷ هزار موضوع مختلف تحریمی دارد. در حال حاضر گروه بریکس برای عضو بنیانگذار خود چه کرده است؟ هیچ... عملاً کاری از دست بریکس برای روسیه بر نمی‌آید، چرا که کشورهایی چون چین، برزیل، آفریقای جنوبی و هند با آمریکا و اروپا همکاری‌های گسترده‌ای دارند و نمی‌خواهند همکاری‌هایشان با آمریکا به خاطر روسیه دچار خدشه شود.

بنابراین ضمن همکاری‌های محدود با روسیه، همکاری‌های وسیع خود با آمریکا و اروپا را دنبال می‌کنند. وقتی بریکس برای تحریم‌های روسیه نمی‌تواند کاری انجام دهد و حتی روابط با روسیه را به دلیل تحریم‌های آمریکا محدود می‌کند، تکلیف ایران که تازه قرار است از ژانویه آینده عضو بریکس شود، معلوم است. به همین دلیل دولت نباید به مردم وعده داده و بگوید بریکس سرپلی برای دور زدن تحریم‌هاست و یا بریکس موجب می‌شود که ایران با غرب در مورد تحریم‌ها مقابله کند... اگر یکی چنین روابطی ممکن بود، روسیه قبل از ایران از آن بهره می‌برد. بنابراین باید توجه داشته باشیم که اگر قرار است، ایران در گروه بریکس رشد کند، موفقیت کسب کند، باید به سمت لغو تحریم‌ها و احیای برخی برجام حرکت کند. مهم‌تر از همه باید اصلاحات لازم در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و ارتباطی در سطح داخل صورت بپذیرد تا پالیسی‌های آن کشور ارسال شود. در صورت انجام این اصلاحات ایران می‌تواند انتظار داشته باشد تا در کنار سایر قدرت‌های اقتصادی جهان، وضعیت اقتصادی خود را سر و سامان دهد.

چرا اصولگرایان تلاش می‌کنند چنین اقدامات دولت در عرصه بین‌المللی را به عنوان یک دستاورد مهم معرفی کنند؟ آیا مانور تبلیغاتی که اصولگرایان درباره عضویت ایران در بریکس انجام می‌دهند با واقعیت همخوانی دارد؟

برخی اظهار نظر‌ها و ادعاهایی درباره دستاوردهای عضویت ایران در بریکس شنیده می‌شود که جز «بزرگ‌نمایی» هیچ نام دیگری برای آنها نمی‌توان در نظر گرفت. البته در ایران به یک چنین نگاه‌ها و تبلیغاتی عادت داریم؛ در تمام دولت‌ها هم یک چنین بر خوردهایی سابقه دارد. دوستان دولتی طوری برخورد می‌کنند که انگار یک سفر به آفریقای جنوبی می‌تواند ناگهان تحول بزرگی در اقتصاد یا سیاست خار جی ایران به وجود آورد. در حالی که در واقع این گونه نیست. هر چند سفرهای می‌توانند زمینه‌ساز تحولات مثبتی باشند، اما شرایط خاص خود را دارد. ده‌ها فاکتور تأثیرگذار دیگر نیاز

عضویت ایران در بریکس بسیار مهم و تأثیرگذار است و می‌تواند افق‌های روشنی از منظر سیاسی و اقتصادی برای ایران به وجود بیاورد به شرط آنکه ایران بتواند به تحریم‌های بین‌المللی پایان داده و در مسیر توسعه اقتصادی همکاری گسترده‌تری را در چارچوب بریکس با کشورهای عضو تعریف کند. اما این عضویت نباید این انتظار را به وجود آورد که یک‌دفعه و یک‌شبه همه چیز در ایران خوب می‌شود. این نکته‌ای است که باید برای مردم شفاف شود

است که باید مکمل این سفرها بشوند. نکته دیگر در مورد بریکس که باید به آن توجه شود، آن است که بریکس فقط مجموعه‌ای شکل گرفته از برخی کشورهاست و نه چیز دیگر. حتی یک قرارداد هم پیرامون بریکس امضا نشده است. تنها ۵ قدرت اقتصادی در کنار هم قرار گرفته‌اند تا بین قدرت‌های اقتصادی نوظهور هماهنگی ایجاد کنند. اساس شکل‌گیری این گروه هم رقابت با گروه ۷ است.

آیا ایران در وضعیتی قرار دارد که بتواند ظرفیت‌های بالقوه موجود در بریکس را به بالفعل تبدیل کند؟

در خصوص عضویت ایران در بریکس نیازمند واقع‌بینی هستیم. این مساله به این معنی است که هم باید این الحاق را دستاورد دانسته و درباره آن رضایت داشته باشیم و هم محدودیت‌هایی که در این موضوع کنده برای ایران وجود دارد را به خاطر داشته باشیم. عضویت ایران در این گروه دستاورد مثبت و مهمی برای ایران است. من معتقدم از آنجا که بریکس به تدریج خود را به عنوان یکی از قطب‌های اصلی اقتصاد دنیا مطرح کرده است. عضویت ایران در این گروه شرایط مساعدی را برای ارتقای جایگاه اقتصادی ایران فراهم می‌سازد. اگر بخواهیم عضویت ایران در بریکس را واقع‌بینانه تحلیل کنیم باید توجه کنیم که صرف عضویت ایران در یک گروه یا یک سازمان مشابه بریکس با شانگهای برای اقتصاد کشور راهگشا نیست و قرار نیست با این عضویت کل مشکلات ایران حل شود و دست‌های بسته در زمینه تحریم و افای تی اف باز شود. صرف عضویت ایران در بریکس به تنهایی راهگشا برای دور زدن تحریم‌ها نیست و نمی‌تواند موجب رشد اقتصادی شود. اگر می‌خواهیم از بستر مناسب بریکس برای توسعه و پیشرفت اقتصادی ایران بهره بگیریم لازم است تلاش خود را برای لغو تحریم‌های بین‌المللی و حل مشکلات افای تی اف فراهم کنیم تا بتوان در عرصه بانکداری جهانی امکانات لازم را برای توسعه صادرات و بازرگشت درآمد حاصل از آن به کشور فراهم کنیم. متأسفانه مادر ایران عادت داریم، عضویت در این سازمان‌ها را بزرگ می‌کنیم و در عرصه بانکداری ایجاد توقع می‌کنیم. در حالی که باید برای افکار عمومی توضیح دهیم که صرف عضویت قدم بزرگی است به شرط اینکه تحریم‌ها رفع شود و ایران مشکل خود را با افای تی اف حل کند. بنابراین باید سطح این دستاورد دقیقاً برای مردم توضیح داده شود. ایران می‌تواند از این فرصت استفاده کند و به سمت رفع تحریم‌های بین‌المللی برنامه‌ریزی نماید تا بتواند از فرصت عضویت در بریکس به نحو مطلوب بهره‌برداری کند. بنابراین صرف عضویت در بریکس برای ایران معجزه‌ای را به همراه ندارد، عضویت ایران در بریکس بسیار مهم و تأثیرگذار است و می‌تواند افق‌های روشنی از منظر سیاسی و اقتصادی برای ایران به وجود بیاورد. به شرط آنکه ایران بتواند به تحریم‌های بین‌المللی پایان داده و در مسیر توسعه اقتصادی همکاری گسترده‌تری را در چارچوب بریکس با کشورهای عضو تعریف کند. اما این عضویت نباید این انتظار را به وجود آورد که یک‌دفعه و یک‌شبه همه چیز در ایران خوب می‌شود. این نکته‌ای است که باید برای مردم شفاف شود.

عضویت در گروه‌هایی مانند بریکس، ظرفیت‌های بالقوه‌ای را به وجود می‌آورد که در کنار سایر کشورهای هم‌افزایی ایجاد شده و از طریق همکاری‌ها سطح اقتصادها را تقویت پیدا کند. کشور روسیه، بنیانگذار یا پیشنهاد دهنده تشکیل بریکس بوده است؛ روسیه امروز با شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی روبرو است. در حال حاضر گروه بریکس برای عضو بنیانگذار خود چه کرده است؟ هیچ... عملاً کاری از دست بریکس برای روسیه بر نمی‌آید، چرا که کشورهایی چون چین، برزیل، آفریقای جنوبی و هند با آمریکا و اروپا همکاری‌های گسترده‌ای دارند و نمی‌خواهند همکاری‌هایشان با آمریکا به خاطر روسیه دچار خدشه شود.

نگره

سرنوشت فیلترینگ

حدود یک سال است که فیلترینگ، بسیاری از شبکه‌های اجتماعی خارجی را در ایران محدود کرده است اما آمارها نشان می‌دهد که فیلترینگ نتوانسته حضور کاربران ایرانی را کم‌رنگ کند فقط باعث شده که بازاری برای فروش VPN‌ها شکل بگیرد و حتی محصلان ابتدایی هم از VPN استفاده کنند. برای مثال تلگرام که حدود ۵۵ میلیون کاربر در رتبه دوم پرکاربردترین اپلیکیشن‌ها در بین ایرانیان است. از مهر ۱۴۰۱ که شبکه‌های اجتماعی پرکاربرد در بین ایرانیان مانند اینستاگرام و واتس‌آپ فیلتر شدند، جمعیت قابل توجهی از مردم برای رفع نیازها و ارتباطات خود در فضای مجازی رو به خرید VPN آوردند. گزارش منتشر شده از انس دیجیتال مارکتینگ «یکتانت» نشان می‌دهد که ۸۰ درصد مردم در گروه‌های سنی مختلف از VPN استفاده می‌کنند و گردش مالی سالانه خرید و فروش VPN در ایران در سال ۱۴۰۱ حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان بوده است. هفته گذشته هم کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در گزارشی که درباره کیفیت اینترنت ارائه کرد به این موضوع اشاره کرد که ۶۴ درصد مردم ایران از VPN استفاده می‌کنند. بیش‌ترین میزان استفاده از VPN برای گروه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال است. این گروه سنی با میانگین ۹۷ درصد استفاده در صدر استفاده‌کنندگان VPN در ایران هستند و پس از آنها گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ با ۸۰ درصد در رتبه دوم استفاده‌کنندگان VPN قرار دارند. این در حالی است که گمان می‌رفت افراد ۱۸ تا ۲۴ سال که غالباً قشر تحصیل کرده دانشگاهی یا شاغل را تشکیل می‌دهند در رتبه نخست قرار داشته باشند.

بیش از نصف کاربران مقطع تحصیلی ابتدایی VPN دارند

اما قسمت قابل‌تامل این گزارش استفاده از VPN در بین محصلان ابتدایی است. بر اساس آمار گفته شده از هر ۳ کاربر ایرانی که تحصیلات ابتدایی دارند ۲ کاربر از VPN استفاده می‌کنند. در دست‌کم ۸۳ درصد تحصیل‌کنندگان مقطع ابتدایی کمترین آمار بین دیگر مقاطع تحصیلی را دارند اما باز ۶۳ درصد استفاده از VPN برای کاربران با مقطع تحصیلی ابتدایی، عدد قابل توجهی است. این میزان استفاده نشان می‌دهد که دیگر استفاده از این ابزارها با VPN‌ها دیگر مختص گروه‌های خاص سنی و یا مقطع تحصیلی خاص نیست و در دسترس همگان است. در بین محصلان مقاطع تحصیلی بیش‌ترین استفاده برای مقطع تحصیلی دکترا و بالاتر با آمار استفاده ۸۸ درصدی است و پس از آن لیسانسه‌ها با ۸۳ درصد استفاده در رده دوم قرار دارند. یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث شده مردم ایران از هر راهی مخصوصاً خرید VPN برای ورود به شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند، گره خوردن روابط اجتماعی، خرید و حتی آموزش مردم با این شبکه‌هاست. به خصوص در زمان کرونا که اکثر مردم خانه‌نشین بود و از ابزار فضای مجازی برای برآورد کردن بسیاری از نیازهای خود مانند اطلاع پیدا کردن از اخبار، خرید و سایر موارد نیاز، فروش محصولات به صورت غیر حضوری استفاده می‌کردند.

استفاده از تلگرام هنوز پررونق است

گزارش یکتانت در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که در تلگرام فارسی ۵۲۱ میلیون پست توسط ۷۰ هزار کانال منتشر شده و بازدیدها به بیش از ۹۰ میلیارد بار رسیده است. این آمار در حالی ثبت شده که تلگرام در نیمه اول اردیبهشت ۱۳۹۷ فیلتر شده بود. داده‌های پژوهشگاه فضای مجازی در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که تلگرام هفدهمین سایت برتر در ایران است و ایرانی‌ها تاکنون ۱۷۰ هزار کانال در این پلتفرم ایجاد کرده‌اند که از این میزان ۱ هزار کانال بیش از ۵ هزار عضو دارند و کانال‌های ایرانی روزانه ۵.۱ میلیون مطلب منتشر می‌کنند. همه این داده‌ها نشان دهنده این واقعیت است که فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی و سایت‌ها یک راهبرد شکست خورده است و فقط باعث می‌شود که پای کودکان به خرید یا استفاده از VPN‌ها باز شود که تبعات آن بسیار بدتر است. به گفته بسیاری از کارشناسان و مسئولین از جمله نمایندگان مجلس، فیلتر ماندن سایت‌هایی مانند یوتیوب که به یک مرجع آموزشی تبدیل شده یا شبکه اجتماعی «X» که از مهم‌ترین رسانه‌های انتشار اخبار و سخنان مسئولین کشورهای مختلف است دیگر پسندیده نیست و در موضوع فیلترینگ باید بازنگری شود. طبق آمارها میانگین استفاده روزانه ایرانیان در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۷۰ دقیقه یعنی حدود سه ساعت بوده است. البته ناگفته نماند که این مقدار در شرایطی ثبت شده که در مقاطعی اینترنت در ایران قطع بوده یا فیلترینگ محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی را محدود کرد.